مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌ویکم/ سال یازدهم/ پاییز ۱۴۰۱
صفحات ۵۲-۳۱

تحلیل تأثیر حس مکان در مجموعه‌های مسکونی محصور (مطالعه موردی شهرک نفت اهواز)

مائده میاحی*، بهزاد وثیق**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

چکیده

مجموعه مسکونی محصور یعنی مناطق مسکونی با دسترسی محدود که اخیراً در سراسر دنیا گسترده شده‌اند. این مجموعه‌ها برای دستیابی به کیفیت بالای خدمات خصوصی و فرار از بی نظمی شهری به طور گسترده تر طراحی شداند. سنجش حس مکان می‌تواند معیاری برای میزان موفقیت یک مجموعه مسکونی یا معماری باشد. تعلق‌خاطر نشانگر میزان بهینگی طراحی شهری و معماری خواهد بود. تاکنون این مؤلفه‌ها در فضاهای با محوریت شغلی و یا فعالیتی بررسی نشده‌اند و ساختار تحقیق بدون مداخله متغیر هدف ساخت پروژه در نظر گرفته شده است. هدف پژوهش یافتن عواملی است که در ایجاد حس مکان درمجموع مسکونی محصور می‌تواند تأثیرگذار باشد. نمونه موردی، شهرک کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، است. نوع پژوهش کمی و روش پژوهش از نوع همبستگی- پیمایشی است. جمع‌آوری اطلاعات به‌وسیله توزیع تصادفی پرسشنامه بین ساکنان بالای ۱۸ سال، انجام گرفته است. پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت تهیه و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۶۲ نفر می‌باشد. تجزیه و تحلیل آماری نتایج با کمک نرم‌افزار SPSS و به‌کارگیری آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار آن و از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرها استفاده شد. نتایج نشان داد همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (خصوصی و همگانی)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرا معماری وجود دارد. وزن درصدی آزمون فریدمن، مؤلفه‌ها اصلی به ترتیب کالبد خصوصی ۳۱/۱۲ درصد که بیشترین تأثیر را بر حس مکان را دارد و بعد از آن کالبد همگانی با وزن ۲۵/۵۰، فرا معماری با وزن ۲۴/۳۰ و فعالیت و تعاملات اجتماعی با وزن ۱۹/۱۰ است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن زیر مؤلفه‌ها نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی، تداعی مذهبی و دسترسی به حمل‌ونقل شهری بالاترین میانگین رتبه را دارند. این زیر مؤلفه‌ها، از مهم‌ترین عوامل و بیشترین تأثیر بر حس مکان در شهرک نفت هستند. بعدازآن سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس مکان دارند.

واژگان کلیدی

حس مکان، شرکت نفت، مجموعه شهری بسته، شهرک-شرکت‌ها، اهواز.

* استادیار، گروه معماری، موسسه آموزش عالی کارون، اهواز، ایران(نویسنده مسئول). m.mayahi@karoon.ac.ir
** عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول- روبروی پایگاه چهارم شکاری شهید وحدتی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، دزفول، ایران vasiq@jsu.ac.ir

مقدمه

مجموعه مسکونی محصور یک جامعه مسکونی است که دارای یک دروازه برای امنیت آن‌ها واقع در ورودی آن است. گاهی اوقات کل محله در محیطی از دروازه‌ها محصوراست. توسعه مجتمع‌های مسکونی در یک جامعه محصور، با دسترسی کنترل شده است (Bekleyen،۲۰۱۶) و (Makinde، ۲۰۱۴). این اقدامات کالبدی، با استخدام یک نگهبان صورت می‌گیرد جایگزین مکانیسم‌های کنترل اجتماعی سنتی می‌شود که بر انسجام اجتماعی در جامعه مربوطه استوار است. در شکل مدرن خود، یک مجموعه مسکونی محصور، شکلی از اجتماعات مسکونی یا خانه‌های مسکونی است که شامل ورودی‌های کاملاً کنترل‌شده برای عابران پیاده، دوچرخه‌ها و اتومبیل‌ها است و که اغلب با محیط بسته از دیوارها و نرده‌ها مشخص می‌شود (El-Ekhteyar, Furlan ، ۲۰۱۶). جوامع محصور معمولاً از خیابان‌های مسکونی کوچک تشکیل شده‌اند و دارای امکانات مشترک مختلفی هستند. در جوامع کوچکتر، ممکن است فقط در یک پارک یا سایر مناطق مشترک باشند. برای جوامع بزرگ‌تر، ممکن است ساکنان اکثر فعالیت‌های روزانه خود در مجموعه انجام دهند. مجموعه مسکونی محصور به منطقه‌ای فیزیکی اطلاق می‌شود که در محیط اطراف خود حصار یا دیوار کشیده شده است، یا دسترسی به این مناطق را با استفاده از دروازه‌هایی، کنترل می‌کنند (Iroham and et al ، ۲۰۱۴). مجموعه مسکونی محصور (جوامع دروازه دار) به عنوان محله هایی که به طور خصوصی اداره می شوند تعریف می شوند و این مجتمع ها در طی فرآیندهای حومه نشینی در آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ پدیدار شدند (Blakely Snyder، ۱۹۹۷).

این شکل از مجتمع‌های محصور محیط های اجتماعی و فیزیکی متمایزی را ایجاد می کند که بر آن تأثیر می گذارد. میزان دلبستگی ساکنین ، جوامع محصور به دلیل ایمنی و امنیتی که با استفاده از ابزارهای کنترلی، مانند دیوارها، نرده‌ها و ورودی‌های کنترل‌شده ایجاد می‌کند متمایز می شود. هدف این جوامع این است که از تغییرات سریع شهری دور نگه داشته شوند و در نتیجه ثبات مجموعه تضمین شود. محیط فیزیکی زیبایی شناختی به عنوان یک ارزش به افزایش دلبستگی در مجتمع‌های محصور کمک می کند. در سال ۱۹۹۹، تالن بیان کرد که محیط های فیزیکی رضایت بخش منجربه تقویت حس مکان محله می شوند. در حالی که مطالعه (Low، ۲۰۰۳) در مورد جوامع محصور نشان می دهد که روحیه جامعه ارتباط نزدیکی با انگیزه ساکنان برای محافظت از ارزش های محیط ساخته شده محله در برابر نفوذ را دارد. در مقابل، در مطالعات تجربی از سراسر جهان، جوامع محصور شده دارای اثرات اجتماعی « منفی» شناخته شده اند (Pow ،۲۰۱۵،۴۶۵). این اثرات منفی شامل: کاهش ارتباط همسایگی در نتیجه خصوصی گرایی و نگرانی حفظ حریم خصوصی در بین صاحبان خانه متمرکز است. محققان استدلال کرده اند که کاهش تعاملات اجتماعی منجر به شکست یکپارچگی درونی و کاهش روحیه جامعه می شود(Guest, Wierzbicki ، ۱۹۹۹؛ Putnam ، ۲۰۰۵؛ Wilson-Dugens ، ۲۰۰۰). با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده افزایش‌یافته و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است و پژوهش‌های زیادی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته‌شده بر ذهنیات رفتارهای انسان، انجام‌شده است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس انگیزه‌ها، توقعات، نقش‌ها و دیگر عوامل آن را درک و رمزگشایی و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حسی که پس از قضاوت و ادراک در فرد نسبت به محیطی خاص، به وجود می‌آید حس مکان می‌نامند که مهمترین عامل در ارتباط شخص با محیط و باعث بهره‌برداری بهتر شخص از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و درنهایت احساس تعلق آن‌ها نسبت به محیط و تداوم حضور آن‌ها می‌شود (فلاحت ،۱۳۸۵،۵۸). نوربرگ شولتز بیان می‌دارد: حس مکان در مکان‌هایی ظاهر می‌شود که شخصیت مشخص و برجسته دارند (Schultz ،۳۳، ۱۹۹۷). جغرافی‌دانان پدیدارشناسی، اصطلاح مکان دوستی را معادل با حس مکان بیان می‌کنند و آن را پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مکان‌ها و قرارگاه‌ها و مردم می‌دانند (Xu،۲۳۲،۲۰۰۱). عمده تحقیقاتی که در مجامع داخلی و خارجی انجام‌شده معطوف به جمعیتی تصادفی و یا دارای پراکندگی مکانی و اجتماعی است که جنس پیمایش را تصادفی می‌سازد. تاکنون تحقیقات به این مهم نپرداخته‌اند؛ که کیفیت حس مکان در شهرک‌هایی که عمدتاً افراد دارای برنامه روزانه مشخص و اشتغالی همبسته باهم هستند؛ آیا از معیارهای سنجش حس مکانی مانند سایر نقاط شهر بهره می‌برد؟ در تحقیقات عمدتاً این مجموعه‌های مسکونی محصور را مجموعه‌های دروازه‌دار یا دیوارکشی شده می‌نامند که به‌نوعی اشاره به بسته بودن دسترسی‌ها به این سیرکولاسیون درونی آن است. به‌عنوان‌مثال (Wilson-Dugens ، ۲۰۰۰)، با بررسی حس امنیت در مجموعه‌های مسکونی بسته نشان داد که نوع دیوارکشی این مجموعه‌ها می‌تواند در ابتدا از ورود مزاحمین جلوگیری کند یا نظارت عمومی را هدفمند سازد بااین‌حال درنهایت باعث آسیب‌های روانی گردد.Lemanski، با بررسی جوامع مسکونی بسته در آفریقای جنوبی به دینامیسمی که در طی زمان بین افراد به وجود می‌آید اشاره می‌نماید که می‌تواند به ایجاد مشارکت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

اجتماعی منجر شود. بااین‌حال موقتی بودن سکونت، عامل عدم موفقیت برنامه‌های شهری در این مناطق شهری است (Lemanski،۲۰۰۶). در مطالعات دیگر؛ منتظرالحجه ، به ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری پرداخته‌اند. موضوع تحقیق ایشان سنجش تغییرات کالبدی است که به‌واسطه گرایش به فضاهایی با محوریت فضایی غربی، ازخودبیگانگی را در بین ساکنین افزایش داده است(منتظرالحجه و دیگران ۱۳۹۵). در تحقیق اکبری، به بررسی تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. بااین‌حال این تحقیق به جمعیتی مشخص در یک واحد همسایگی گسترده پرداخته است که با موضوع تحقیق حاضر تفاوت دارد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۱). حسینی نیز به بررسی مؤلفه‌های سنجش کیفیت شهرک‌های مسکونی پرداخته‌اند که نزدیک‌ترین نمونه به تحقیق حاضر است (حسینی و دیگران ،۱۳۹۵). بااین‌حال متغیرهای تحقیق یادشده به موضوع تحقیق حاضر که بررسی جمعیتی مشخص در واحد سکونتی افراد هم‌پیشه است؛ اشاره نشده است که این موضوع نقطه عطف این دو تحقیق محسوب می‌شود. هدف از این تحقیق سنجش میزان ادراک حس مکان توسط ساکنین شهرک–شرکت‌ها بوده و نمونه مطالعاتی شهرک کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب ساکن است. در پیمایش اولیه از محیط مشاهده می‌شود که ساکنین در طی سال‌های اقامت موقت در شهرک، در زمینهٔ فعالیت‌های اشتراکی فعال بوده و در تغییر سازمان فضایی معماری و نیز شهری اقداماتی را صورت می‌دهند. نیز تلاش ایشان در زمینهٔ بهداشت محیطی و کاهش آلودگی‌های دیداری و ... نشان از دلبستگی ایشان به این مکان دارد. ازاین‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل خواهد بود:عوامل مؤثر بر حس مکان بر شهرک شرکت‌ها چیست؟ شاخص‌های اصلی حس مکان چه میزان بر حس تعلق به مکان ساکنین شهرک مؤثر است؟

در این پژوهش در ابتدا، به معرفی پیشینه و روش پژوهشی می‌پردازد، در ادامه، به سنجش حس مکان و عناصر آن در شهرک نفت پرداخته و محدوده موردمطالعه محله شهرک نفت اهواز معرفی می‌شود. در انتها، نتیجه‌گیری پژوهش عنوان گردیده است.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با حس مکان انجام‌شده بسیاری از تحقیقات اخیر در حوزه معماری و روانشناسی محیطی به مسئله حس مکان پرداخته‌اند که به‌طور کلی دسته‌ای از مقالات به شناسایی و معرفی عوامل تشکیل‌دهنده حس‌مکان پرداخته‌اند ودسته‌ای دیگر مقالات به طبقه‌بندی سطوح مختلف حس مکان معطوف شده است. که در ادامه به مهمترین‌های آن اشاره خواهد شد. در جدیدترین پژوهش لوماس بیان می‌دارد، تجزیه و تحلیل پدیدارشناختی برای کشف فرآیند دخیل در رفاه ذهنی ساکنان و حس مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل پدیدارشناختی سه موضوع را ایجاد می‌کند: «احساس کنترل»، «روابط اجتماعی و اجتماع»، و «درک و تعاریف مکان». این موارد مسائل مربوط به سلامت جسمانی، انزوای اجتماعی، انسجام جامعه، و همچنین پتانسیل فعالیت های بازآفرینی را برای تضعیف عناصر مختلف رابطه مردم و مکان برجسته می کند(Lomas ،۲۰۲۱،۱). به اعتقاد بولی، محققان حس مکان باید توجه کامل در مورد چگونگی ارتباط مردم با مکان‌ها و مفاهیمی که این ارتباطات بر روی دیگر ساختارهای مهم مانند کیفیت زندگی، حمایت از گردشگری وتلاش‌های حفاظت مبتنی بر مکان یا رفتارهای محیطی فردی را دارند معطوف می‌کنند (Boley and et al ،۲۰۲۱،۱). دسته‌ای از مقالات به معرفی تأثیراتی که مجموعه مسکونی محصور بر ساکنین این مجموعه‌ها می‌گذارد پرداخته‌اند. در جدیدترین پژوهش، آتکینسون معتقد است؛ که جوامع مسکونی محصور نیازهای مصرف کننده و اجتماعی را برآورده می کنند، تحقق این خواسته ها در نهایت گمراه کننده به نظر می رسد. با این وجود، به نظر می‌رسد که توسعه جوامع مسکونی محصور تا حد زیادی به گسترش نابرابری‌های اجتماعی و بی‌نظمی گسترده‌تر در جوامع اطراف این جزایر امنیتی بستگی دارد (Atkinson and et al ، ۲۰۲۰، ۲۵۹). به نظر ماکینده، نیازهای امنیت محله‌ها متفاوت است و مسیرهای ایجاد و بهبود امنیت عبارتند از: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی صحیح، نظارت، توسعه پتانسیل های مالکیت خانه؛ تعامل اجتماعی و بهبود مفاهیم سرزمینی، نظارت، تصویر محیط(Makinde ۱،۲۰۲۰). به اعتقاد دانگه، تعامل اجتماعی یک اولویت برای بهبود جوامع محصور است و برای این کار فضای محله و مبلمان خیابان را می توان با توجه به در دسترس بودن منابع افزایش داد. برای جوامع غیر محصور، به برنامه ریزان توصیه می کنیم که امکانات فضای باز، سایبان و سرپناه و فضای باز را بهبود بخشند(Dong ،۲۰۱۹،۲۴۶). آردوین، حس مکان را مجموعه‌ای از ارتباط شناختی و عاطفی و ارتباطات ارزیابی‌شده مردم با جامعه و اجتماع زیست‌محیطی را به‌صورت مجموعه‌ای از سازوکارها شرح می‌دهد(Ardoin ،۲۰۱۹،۱). از طریق اقداماتی نظیر استفاده از عناصر هویت بخش، کنترل محصوریت، حضور عوامل طبیعی و ایجاد دید و منظر در فضاهای عمومی واسطه‌های مسکونی مناسب می‌تواند حس تعلق به مکان را به ساکنین محلات قدیمی بازگرداند. (صدریان،۱۳۹۳). مشکینی معتقد است هر چه مدت سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محل و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان بیشتر گردد، حس تعلق مکانی ساکنان شهر جدید، افزایش می‌یابد (مشکینی،۱۳۹۳). ملکی بیان می‌دارد میزان حس تعلق به مکان به میزان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

خصوصیات کالبدی، احساس امنیت در آن مکان، تأثیرات آن مکان بر برداشت‌های ذهنی و ماندگاری این تصورات بستگی دارد. (ملکی،۱۳۹۳). نتایج، مشخص شد که هر سه عامل عینی، ذهنی و رفتاری به‌طور هم‌طراز و حدوداً یک‌سوم مقولات تشکیل‌دهنده عوامل حس مکان در ارتقاء کیفیت محیط زندگی و تحقق رضایتمندی سکونتی را در برمی‌گیرند (طاهر طلوع دل، مهدی نژاد، سادات،۱۳۹۹،۱۶۵). نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی اعم از «انسجام و وحدت»، «محرمیت»، «مدیریت تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز»، «غنای بصری» و «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی »به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دلبستگی به مکان‌دارند. بنابراین طراح به‌عنوان خالق فضا با انتخاب مقیاس و چیدمان بلوک‌ها توأمان با طراحی ساختار فضاها منجر به تغییر در میزان حس دلبستگی افراد ساکن در آینده می‌شود. (رحیمی، انصاری، بمانیان، مهدوی‌نژاد، ۱۵،۱۳۹۹). هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین حس مکان را درمجموع بسته همچون شهرک شرکت‌ها بررسی نکرده‌اند. ازاین‌رو رویکرد پژوهش حاضر شناخت عوامل مؤثر در شهرک–شرکت‌ها است که باعث ارتقاء حس دلبستگی به مکان در ساکنین می‌شود. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های گذشته، جستجو در استخراج شدت تأثیر و اولویت‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دلبستگی به مکان به‌طور خاص در شهرک شرکت‌ها است. جدول شماره ۱ دیدگاه صاحب‌نظران در مورد حس مکان را نشان می‌دهد.

مجتمع های مسکونی محصور: پس از جنگ جهانی دوم، محله‌های شهر شروع به تغییر کردند، طراحان شهری خیابان‌ها منحنی و بن‌بست ایجاد کردند. این محله‌های جدید از مکان‌هایی که مردم در آن کار، خرید و بازی می‌کردند فاصله داشتند، ساکنان به ماشین وابسته شدند. این محله های حومه شهر در نیمه دوم قرن بیستم به شکل غالب محله تبدیل شدند. بنابراین تغییر محله در طول زمان، یکی از رویکردهای جدید به محله‌ها، مجموعه مسکونی محصور است. که به‌عنوان «محله‌های محصور» (Grant, Mittelsteadt،۲۰۰۴)، «جوامع محصور» (Landman ،۲۰۰۰) و نیز «شهرهای خصوصی»، «شهرهای حاشیه»، «شهر دیوارها» (Almatarneh،۲۰۱۲) نیز شناخته می‌شدند. جوامع محصور مبتنی بر ایجاد جوامع مستقل با هویت مجزا که به دقت ساخته شده‌اند. همچنین به دلیل تنوع و تعدد آنها به طور فزاینده ای به یک روند اصلی در بازار مسکن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده اند. با وجود محبوبیت و به دلیل گسترش آنها، تعریف دقیقی برای آن وجود ندارد(Landman ،۲۰۰۸) و(Grant, Mittelstad ،۲۰۰۴). جوامع مسکونی محصور را می توان بدین صورت خلاصه کرد: « یک محله محدود اجتماعی–فضایی، درجامعه خرد است که واحدهای مسکونی بزرگتر را به واحدهای کوچک با ویژگی‌های خاصی تجزیه می‌کند. تمرکز طرح بر تسهیلات و کاربری، نوع تک واحد مسکونی، که عمدتاً به امکانات محله بستگی دارد که ممکن است این امکانات محدود باشد و در نهایت با ویژگی زندگی شهری، تحرک، تنوع، انتخاب‌ها و ارتباط اجتماعی با محله های بزرگ‌تر ناسازگار است ". با این تعریف، ویژگی‌های اجتماعی– فضایی آن را می‌توان بدین صورت بیان کرد:

اول: دیوارها، موانع فیزیکی در اطراف جوامع مسکونی محصور چندین کارکرد را انجام می‌دهند، برای آنها محدودیت بصری ایجاد می‌کنند، منجر به ایجاد حریم خصوصی می‌شوند. دسترسی را محدود می‌کنند.

دوم: الگوهای ارتباط خیابان های جوامع محصور، معمولاً به سمت داخل محله هستند.

سوم: الگوی کاربری اراضی، کاربری های مختلط به ندرت در جوامع محصور که بر تک کاربری اراضی که عمدتا مسکونی هستند تکیه دارند.

چهارم: الگوی تیپ مسکن، سازندگان همواره به دنبال تفکیک انواع مسکن از یکدیگر هستند تا خدمات، امکانات رفاهی و نگهداری و استانداردهایی که افرادی که از لحاظ اجتماعی و مالی یکسانی دارند را کنترل کنند (Ghonimi and et al، ۲۰۱۳).

ویژگی‌های جوامع محصور از کشوری به کشور دیگر با توجه به ویژگی‌های هر کشور مختلف و متفاوت است. چندین مطالعه توافق کردند که گسترش جهانی جوامع محصور توسط ایالات متحده ایجاد شده است، محققان یک نمای کلی سیستماتیک از ویژگی های فیزیکی جوامع محصور ارائه می دهند که نشان می دهد که جوامع محصور تنوع زیادی در ویژگی های اجتماعی و کالبدی از خود نشان می دهند، بنابراین نمی توان آن را به عنوان مجموعه واحدی از اشکال شهری در نظر گرفت(Grant, Mittelstad،۲۰۰۴). یکی از محبوب‌ترین طبقه‌بندی‌های عمومی جوامع دروازه‌دار توسط (Blakely,Snyder،۲۰۱۳) تعریف شده است که با مطالعه جوامع دروازه‌دار ایالات متحده، گونه‌شناسی مبتنی بر عملکرد را گسترش دادند. در این گونه شناسی سه نوع از جوامع دروازه دار شناسایی می شوند: سبک زندگی، اعتبار و جوامع دارای منطقه امنیتی. و نه دسته از این انواع را توسعه داد: سبک زندگی جوامع که بر امکانات تفریحی و فعالیت‌های اوقات فراغت، امکانات و خدمات مشترک تمرکز دارد، شامل شهرک‌های بازنشستگان، شهرهای جدید حومه‌ای است. اعتبارجوامع ؛ به عنوان نمادهای ثروت و موقعیت برای ساکنان عمل می کند، که تمرکز بر انحصار در جامعه دارد که شامل جوامع ثروتمند و مشهور می‌شود، جوامع برتر پنجم، جوامع اجرایی برای طبقه متوسط است. جوامع دارای منطقه امنیتی ؛ ترس از بیگانگان را منعکس می کند، این ترس توسط ساکنان آنها، به دلیل ترس از جرم و جنایت و افراد خارجی شکل گرفته است. این دسته شامل شهر، حومه شهر است. اینها را «قرارگاه» می‌نامند زیرا دروازه‌ها توسط ساکنان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

ساخته می‌شوند. این تنها گونه شناسی نیست، بلکه هر محققی با در نظر گرفتن علل، پیامدها و پیامدهای مهم جوامع دردار، گونه‌شناسی خود را تعریف کرده است (Landman، ۲۰۰۰).

مفهوم حس مکان: مفهوم مکان در تقابل با مفهوم فضای انتزاعی شکل گرفته است. شولتز می نویسد: هستی فضا از مکان است نه از خود فضا. لذا طراحی فضا وابسته است به شناخت ما از مکان و آنچه حس مکان نامیده می شود (مدیری، ۱۳۸۷، ص۷۰). حس مکان به معنی احساس و درک ذهنی کم‌وبیش آگاهانه مردم نسبت به محیط پیرامون آن‌ها است که باعث می‌شود شخص در ارتباطی درونی با محیط قرار گیرد، به‌طوری‌که احساس و فهم انسان با بستر معنایی محیط یکپارچه و پیوند می‌خورد. این حس عاملی است که منجرب می شود که یک فضا به مکانی با خصوصیات رفتاری و حسی ویژه برای افراد خاص تبدیل گردد. از نگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای فعالیت‌های روزمره و درک نمادها به‌واسطه مرتبط شدن با مکان است (Relphe، ۱۹۸۶) ، ارزش‌های فردی و جمعی بر حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر نگرش‌ها و ارزش‌ها و به‌ویژه رفتار شخصی و اجتماعی اشخاص در مکان مؤثر است. افراد معمولاً با توجه به چگونگی حس مکانشان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند (Canter ،۱۹۷۱). رابطه با مکان را به‌صورت های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری تقسین‌بندی می‌شودکه با عواملی مانند رضایتمند، هویت، درونیت پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجادمی‌کنند(Cross، ۲۰۰۱). حس مکان هم باعث هماهنگی بین فرد و کارکرد مناسب فضای معماری است وهم عاملی برای احساس ، لذت، امنیت ادراک عاطفی اشخاص نیز هست و به هویتمندی افراد و حس تعلق به مکان آن‌ها کمک می‌کند. به عقیده رِلف مکان از ترکیب فعالیت‌ها، عملکردها، اشیا طبیعی و انسان‌ساخت و معانی ایجاد می‌شود (فلاحت، ۱۳۸۵، ص ۵۸). حس مکان از دیدگاه روان‌شناسی محیطی به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به‌صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می گیرد، اطلاق می‌شود. هرچند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما ارسال می گردند (پور جعفر،۱۳۸۷، ص ۹۸). از مهم‌ترین مباحث مطرح درباره حس مکان، تعلق مکان است بدین معنا، که مردم خود را به‌واسطه محیطی که در آن متولد و رشد یافته‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به‌طورکلی حس مکان می‌نامند. که بر مردم به‌گونه‌ای ماندگار و عمیق تأثیر می‌گزارد و هویت، خاطره مکان و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. درواقع احساس دلبستگی و تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که، عقاید فرهنگی در ارتباط با افراد به مکان را نیز شامل می‌شود. (فلاحت،۱۳۸۴، ص ۳۷). عوامل شکل‌دهنده حس‌مکان به دو دسته عوامل شناختی–ادراکی و کالبدی تقسیم کرده و بیان می‌کند محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. حسی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود(Rapaport،۱۹۹۰). حس مکان، ارتباطات پیچیده و چند بعدی را که مردم با مکان ها دارند را توصیف می‌کند (Ardoin، ۲۰۱۴). محققین حس مکان را شامل دو ساختار اصلی می دانند: مفهوم مکان و دلبستگی به مکان که در آن معانی شناختی هستند که از تداعی های نمادین از مکان‌ها مشتق شده‌اند (Stedman، ۲۰۰۲). دلبستگی‌هایی مؤثر هستند که پیوند فرد/مکان را منعکس کنند. (Masterson and et al ،۲۰۱۷،۲۰۱۹). بسیاری از محققین مفهوم فراگیر حس مکان را به عنوان ترکیب، در گسترده ترین سطح، عناصر اجتماعی فرهنگی و بیوفیزیکی مکان تصور می کنند: حوزه های انسان شناسی و جامعه شناسی بر موارد ذکر شده تأکید دارند(Turntleman، ۲۰۰۹). اغلب در مناطق غیر شهری و زمینه های تفریحی، بحث بر سر نقشی که جنبه‌های کالبدی (به عنوان مثال، زیست‌شناختی، محیطی ساخته‌شده توسط انسان) و محیط پیرامون با توجه به اینکه حس مکان بازی می‌کنند، تشدید می‌شود (Kil and et al، ۲۰۱۲). در حالی که (and et al Hern´andez،۲۰۱۴) و (Lewicka، ۲۰۱۱) بحث‌های گسترده‌ای در مورد جنبه‌های نظری و روش شناختی دلبستگی به مکان ارائه کرده‌اند. برخی ازمحققان از دو بعد دلبستگی به مکان استفاده می‌کنند که شامل هویت مکان (یعنی معنای نمادین مکان) و وابستگی به مکان (یعنی ارزیابی عملکردی مکان) می‌شود (به عنوان مثال Hsueh ، Larson,cooper, Stedman, Decker, Gargnon,۲۰۱۸، ۲۰۱۸). اخیراً، تعریف جامعی از دلبستگی به مکان ارائه شده است و دلبستگی به مکان را به عنوان یک ساختار چهاربعدی با هویت مکان، وابستگی به مکان، پیوند اجتماعی مکان (یعنی احساس تعلق یا عضویت به گروهی از افراد در یک مکان) می‌داند. مکان عاطفه (یعنی احساسات فرد یا "عشق" نسبت به یک مکان (Ramkissoon, Mavondo، ۲۰۱۵).

عوامل شکل‌دهنده حس مکان

با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان در سه گروه عوامل ادراکی و شناختی (فرامعماری)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، عوامل کالبدی(خصوصی)، عوامل کالبدی(همگانی) تقسیم کرد(جدول۱). به‌صورت زیر بیان کرد:

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

جدول۱- عوامل شکل‌دهنده حس مکان

عوامل ادراکی و شناختی	Lewicka ، ۲۰۱۱؛ Scannell, Gifford ، ۲۰۱۷	حس مکان مستلزم ارتباطات عاطفی مثبتی است که افراد با مکان های خاصی مانند محل سکونت خود یا سایر محیط های مهم دارند.
	Scannell, Gifford، ۲۰۱۰: ۳	شامل یک پیوند واقعی و عاطفی با محیطی است که نیاز اساسی انسان را برآورده می کند.
	Proshansky and et al، ۱۹۸۳	و توسط تعامل بین احساسات، دانش، باورها، رفتارها و اعمال در ارتباط با یک مکان تعیین می شود.
	Giuliani & Scopelliti ،Scannell، ۲۰۰۹؛ Gifford۲۰۱۷ ،	دلبستگی مکانی هم در سطح فردی و هم در سطح گروهی رخ می دهد و عمدتاً تحت تأثیر سن و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی قرار می گیرد.
	Shamai (۱۹۹۱)	حس مکان‌ها در افراد مختلف به تجاربه گذشته و شخصیت آن‌ها در دریافت این حس مؤثر است.
	(Human، ۱۹۹۲)	حس مکان را شامل تعلق به حس محلی و اجتماع تعریف کرده است. ازنظر حس مکان ادراک شخصی مردم از محیط پیرامون خود و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها به محیط است
	Steele1981	حس مکان هر محیط بستگی به نحوه ارتباط افراد با محیط دارد ازنظر او رابطه تعاملی بین انسان و مکان است. تصویر مکان هم کالبدی، روانی یا تعاملی است.
	Van Veelen, Haggett) ، ۲۰۱۶)	قدرت دلبستگی مکانی در درون و بین جمعیت های محلی با توجه به ویژگی های شخصی تفاوت هایی وجود دارد و ممکن است دلایل یا مکانیسم های مختلفی وجود داشته باشد که توسط آن دلبستگی مکانی ایجاد می شود.
	(Lewicka ، ۲۰۰۵)	ریشه داشتن در یک جامعه معمولاً به عنوان یک پیش بینی کننده حس مکان مورد بحث قرار می گیرد، برخی از محققان مدت اقامت را با قدرت حس مکان برابر می دانند .
فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی	(تان، ۱۹۷۷، Scannell, Gifford ، ۲۰۱۰، Lewicka ، ۲۰۱۱)	دلبستگی به مکان یا حس مکان، پیوند شناختی و عاطفی بین افراد و مکان‌ها است.
	Scannell, Gifford) ، ۲۰۱۴)	این پیوند مردم–مکان از تعامل افراد با یک مکان و تعاملات اجتماعی آنها که در آن مکان رخ می دهد پدیدار می شود.
	Rapaport ، Proshansky ،Riger, S., & Lavrakas ۱۹۸۱	در تحقیقات خود بر تأثیر عوامل کالبدی تأکید می‌نمایند، اما اشاره داشته اند که در اصل سمبل های محیطی و نمادهای مشترک اجتماعی ازیک‌طرف و از طرف دیگر قابلیت‌های محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی منجرب می‌شود محیط کالبدی را به‌عنوان بستر تعامل اجتماعی شود.
	(فروزنده،۳۳،۱۳۹۰)	در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت های اجتماعی و فرهنگی است که اشخاص، عناصر کالبدی را از طریق ادراک و نظام ساختار شناختی خودکشف، تعبیر و تفسیر می کنند و در اصطلاح انسان‌ها به‌صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند.
	(Lewicka ، ۲۰۱۱)	حس مکان از طریق استحکام پیوندهایی که افراد با جنبه های مختلف اجتماعی، فیزیکی و عملکردی مکان دارند، ایجاد می شود. جنبه‌های اجتماعی مکان ممکن است شامل روابط مسکونی و خانوادگی باشد
	Stockdale and ۲۰۲۰Ferguson,	تاریخچه‌های خانوادگی و نسلی
	Gieling and et al) ، ۲۰۱۷)	یا فراوانی و گستردگی ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی در یک مکان.
	Devine Wright) ، ۲۰۲۰)	حس مکان همچنین می تواند از طریق علاقه به ویژگی های کالبدی یا محیطی یک مکان ایجاد و تشدید شود
	Lin, , Lockwood) ، ۲۰۱۴؛ Gieling and et al ، ۲۰۱۷)	از طریق استفاده عملکردی، مانند اتکا و وابستگی به بازار کار یا ویژگی های یک مکان باشد. از اهداف یا فعالیت های فردی حمایت کنید .
	(Lwicka، ۲۰۱۱؛ Scannell, Gifford ، ۲۰۱۰؛ Smithe، ۲۰۱۸؛ Song Soopramanien، ۲۰۱۹)	تحت تأثیر عواملی مانند ویژگی های محل سکونت، از جمله محل تولد، مدت اقامت، عاطفه، شناخت و رفتار است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

عوامل کالبدی	(Devine Wright ، Scannell, ۲۰۲۰؛ Gifford ، ۲۰۱۰)	افرادی که وابستگی قوی به مکان دارند، تمایل به افزایش احساس تعلق و عزت نفس دارند.
	(Hapsariniaty and et al، ۲۰۱۳)	دو عامل وجود دارد که می تواند بر انتخاب ساکنان برای انتخاب محله تأثیر بگذارد: اول، عوامل درونی که سه عامل هستند: عامل جمعیتی که به معنای; جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده، مدت زمان سکونت، سطح تحصیلات، قومیت و مذهب ساکنان. عامل اجتماعی–اقتصادی که به معنای درآمد خانوار و سبک زندگی او و عامل فرهنگی است. دوم عوامل بیرونی است که عبارتند از: موقعیت، محل سکونت و در نهایت شرایط محله. همه این عوامل با نسبت های متفاوتی بر ترجیحات ساکنین تأثیر می گذارند.این عوامل را می توان در مورد جوامع محصور نشان داد که در آن هر یک از این عوامل به گونه‌ای متفاوت بر افراد تأثیر می گذارد.
	(Steele،۱۹۸۱)	مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، تضاد، مقیاس، اندازه مکان، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، درجه محصوریت، بو، صدا و تنوع بصری، بافت، رنگ، است. او همچنین خصوصیاتی نظیرهویت، توهم و تخیل، تاریخ،لذت، راز و رمز، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را باعث ایجاد برقراری ارتباط متمرکز با مکان می‌داند.
	(Salvassen ،۲۰۰۱)	ازنظر سالواسن حس مکان شامل: شخصیت کالبدی، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، مالکیت، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای جمعی و خصوصی ؛ هستند که مکان را تشکیل می‌دهند و بر خلق حس مکان مؤثرند.
	(Yan Xu، ۱۹۹۵)	ازنظر او شخصیت کالبدی، اصالت، مالکیت،ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت مانند گیاهان، آب، آسمان، و فضاهای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل دهنده مکان هستند،که در خلق حس مکان تأثیر دارند. ازنظریان زو ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند.
	Schulz	حس مکان در مکان هایی است که دارای شخصیت مشخص و متمایز محیطی هستند که دارای بافت، مصالح، شکل، و رنگ است.
	(Bentely، ۱۹۸۵، ص ۲۹۳)	حس تعلق را به سه عامل اصلی تأثیرپذیر تقسیم می‌کند: نحوه تصرف، گونه ساختمان، تکنولوژی.
کالبد همگانی	(قاسمی اصفهانی،۱۳۸۳، ص ۱۴۵)	معلوم بودن حدود شهرک با حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که باعث محرمیت بصری و زیبایی می‌شود، وجود عوامل جذاب در سطح شهرک برای حضور ساکنین مانند: وجود محل‌های نشستن و توقف ایستاده به‌صورت جمعی یا فردی در تمام سطح شهرک باشند و یا تلفیق آسان عرصه‌های عمومی و خصوصی به کمک فضاهای نیمه عمومی و نیمه‌خصوصی که ساکنان را در حفاظت از حریم خصوصی‌شان یاری می کند. انعطاف‌پذیری محیط برای افرادی که بتوانند محیط را مطابق خواسته خود تغییر دهند و در آن دخل تصرف کنند چون تغییر مبلمان شهرک یا تجهیز موقت فضا با مبلمان موردنیاز ساکنین است یا دخل و تصرف و تغییر در فضای عمومی و تجهیز آن برای مراسم‌های خاص است. عامل دیگر ایجاد و نگهداری عناصر گیاهی در عرصهٔ نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنین است.
	Bentley and et al,1945	این عوامل عبارت‌اند از امنیت که دارای زیرمجموعه‌های حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، معلوم بودن حدود و محرمیت شهرک، برخورد ساکنین با فضای شهرک است.
	(Grant,Mittelsteadt ،۲۰۰۴)	کلمه "دروازه‌دار" برای افراد مختلف به معنای چیزهای متفاوت است، برخی از مردم دروازه‌ای را انحصاری می‌دانند، برخی آن را امنیت می‌دانند، اما بیشتر به حریم خصوصی فکر می‌کنند.
	Denis ۲۰۰۶	جوامع محصور ، ساکنانی را جذب می کنند که در جستجوی یک محل مسکونی حفاظت شده با برنامه ای برای ایجاد حس فاصله، فیلتر کردن، اما با تمایل به دیده شدن هستند.
	(Ghonimi and et al ، ۲۰۱۰)	برای صاحبان ملک در جوامع محصور، این امر با حفاظت از خانه هایشان ارتباط زیادی دارد، زیرا این دروازه ها می توانند به معنای ثبات بیشتر در حفاظت از دارایی‌هایشان باشد.
	(Salah، ۲۰۱۸)	بسیاری از مطالعات در ادبیات جوامع محصور معتقد اند که امنیت عامل اصلی جذاب جوامع محصور است، این می تواند بخصوص در شهرهای با امنیت پایین باشد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

	عوامل جذب جوامع محصور شامل: عامل امنیت و ایمنی، کنترل اجتماعی و گروه بندی یک گروه اجتماعی خاص از سایر مردم، حریم خصوصی، اعتبار و انحصار، خدمات و امکانات، احساس اجتماعی، کیفیت زندگی، حفاظت از ارزش اموال. وی افزود: هر یک از عوامل جذب کننده در جوامع مسکونی محصور با اعمال ویژگی های خاصی حاصل می شود که می تواند شامل: دروازه ها، طراحی دیوارهایی باشد که برخی می خواهند از دیوار دیده شوند و برخی به عنوان وسیله ای امنیتی، نگهبان نیاز دارند و امنیت، فعالیت‌ها و امکانات، طراحی و منظر شهری، انواع مسکن و الگوی آن، مقیاس، مکان و ترافیک، در نهایت ارزش ملک و فروش مجدد آن.	(السید،۲۰۱٦)
	عوامل کالبدی و فعالیتی مانند پاتوق‌ها، بازارچه کوچک و تک‌درخت در میدان و یا زمین ورزشی که محل های گردهمایی و فعالیت جمعی و خاطره‌انگیز برای ساکنان آن است که باید به حفظ و تقویت آن مبادرت ورزید.	(نوفل، ۱۳۸۸، ص ۶۷)
کالبدی (خصوصی)	عناصر فیزیکی در داخل یک فضا شامل سطوح مبلمان عناصر کانونی و انعطاف پذیری آن ها هستند. استفاده از آستانه به‌عنوان یک حوزه کالبدی جهت نمایش ارزش‌های خاص فردی یا گروهی. با ایجاد باغچه اهتمام ورزید یا می‌توان با استفاده از واحدهای کوچک کف‌سازی کنار ساختمان‌ها، به‌سادگی عرصه‌هایی را برای کاشتن گیاه برگرفت. دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار را برای نصب ملحقات احتمالی نظیر : پیچک‌ها قرارداد. ایوان‌ها و تراس‌ها به‌طور بالقوه مکان مناسبی را برای نمایش اشیا هستند. پنجره‌ها، عامل ارتباط کالبدی بین درون و بیرون محسوب می‌شوند؛ که سه امکان را عرضه می دارند: به نمایش درآوردن اشیا از طریق پنجره است، استفاده از مواد مستحکم و رطوبت ناپذیر برای کف پنجره‌ها نیاز است و همچنین باید به‌اندازه کافی عریض باشد تا گلدان و اشیا دیگر روی آنجا بگیرند.	(Bentely،۲۹۵،۱۹٤٥)
	منظور از ، انعطاف‌پذیری فضایی و ساماندهی فضای انسان‌ساخت و تغییر در آن برای دستیابی به شرایط، نیازها و کاربست های جدید است. عموماً سه گونه ساماندهی قابل تشخیص است؛ فضای ثابت ، فضای نیمه ثابت ، فضای متغیر . بر این اساس فضای ثابت واحدها از قبیل دیوارهای باربر، کف‌ها، پنجره‌ها و غیره تشکیل می شود که با سیستم سازه ساختمان در ارتباط است. فضای نیمه ثابت، فضایی است که با تغییر چیدمان مبلمان و وسایل اتاق قابل‌تغییر است. فضای متغیر زمانی به وجود می‌آید که دو نفر یا بیشتر در فضای داخلی بنا به‌عنوان بهره‌بردار با یکدیگر ارتباط داشته باشند، امری قابل‌ادراک و مرتبط با عملکرد نهفته آن فضای خاص است. برای این کار می‌بایست عناصر ثابت مانند دیوارها در اتاق به حداقل خود برسند.	عینی فر، ۱۳۸۲، ۶۷

از تحلیل و مقایسه موارد ذکرشده در ابتدا لازم است تا معیارها دسته‌بندی شوند بنابراین در ابتدا معیارهای تعیین‌شده همان‌طور که در ادبیات پژوهش اشاره شد پژوهش حاضر همسو با نظریات راپاپورت، استیل، شامای سالواسن، پانتر مؤلفه‌های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و فرا معماری تقسیم کرد. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی (محیط شهرک) و خصوصی (درون ساختمان) تقسیم نمود. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی به معنای ایجاد رنگ تعلق در سطوح خارجی مرزهای کالبدی به معنی محیط شهرک است که شامل ۱۰ معیار اصلی در این زمینه که شامل جذابیت بصری، دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به حمل و نقل شهری، نظافت و پاکیزگی، امکانات و تسهیلات رفاهی، مدت سکونت ساکنین، معلوم بودن حدود آن، انعطاف پذیری محیط، دیدومنظر است و کالبد خصوصی که درون ساختمان واحدهای مسکونی است عناصر فیزیکی پشتیبانی‌کننده از رنگ تعلق در داخل یک فضا است که شامل فضاها و کیفیت فضای داخل واحدهای مسکونی و متمرکز کردن عناصر ثابت در یک منطقه برای افزایش انعطاف‌پذیری واحده مسکونی برای تغییر شکل واحد مطابق با نیاز ساکنین شهرک مسکونی و متمرکز کردن فضاهای ارتباطی و خدماتی در یک گوشه تقسیم می‌شود. تمایل داشتن به ارتباط و فعالیت‌های اجتماعی در فضای شهرک از طریق ایجاد فضاهایی برای مشارکت و ارتباط اجتماعی بیشتر با دیگر ساکنین شهرک ایجاد حس امنیت در فضای شهرک مسکونی، ایجاد فضاهایی برای نشستن به صورت فردی و جمعی است فرامعماری که مستلزم ارتباطات عاطفی مثبتی است که افراد با مکان های خاصی مانند محل سکونت خود یا سایر محیط های مهم که شامل فضاهای فرهنگی، اجتماعی مذهبی است ایجاد می‌شود این امر باعث ایجاد خاطره‌انگیزی در افراد می‌شود که در نمودار شماره ۱ مدل حس مکان به تفسیر آمده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

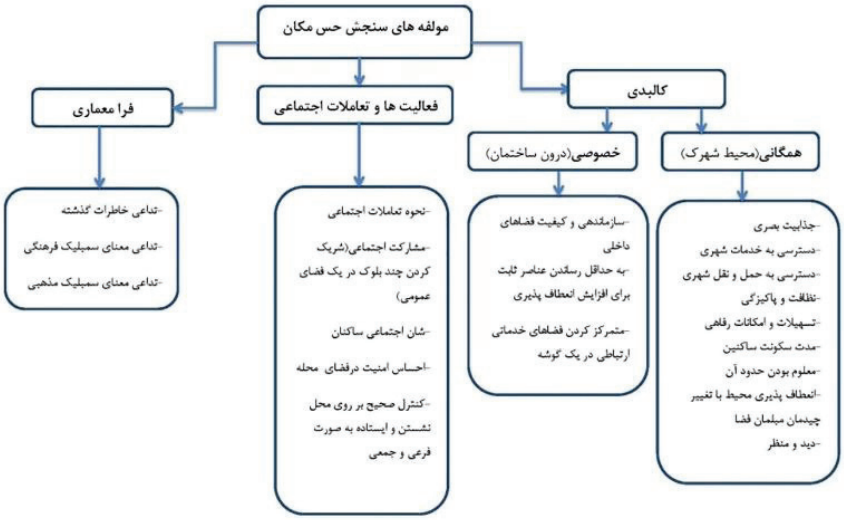

نمودار ۱- مدل حس مکان

معرفی محدوده موردمطالعه

شهرک‌های شرکتی یا شرکت شهرها به مجموع‌های مسکونی اطلاق می‌شود که " معمولاً در تملک یک شرکت (دولتی یا خصوصی) بوده و توسط آن طراحی، سرمایه‌گذاری، نگهداری و مدیریت می‌شوند" (مجتهدزاده، ۱۳۸۸،۱۴۹) . اولین تجارب شرکت –شهرسازی در ایران متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان است، که در شهرهای آبادان، اهواز، مسجدسلیمان، آغاجری، امیدیه و... اجرا گردید. محل احداث این شهرک‌ها صرفاً برای نیازهای صنعت نفت در نظر گرفته‌شده بود. در اهواز نیز شهرک‌های اولیه شرکتی تابع چنین نیازی شکل گرفت. این مجموعه‌ها معمولاً دو هدف عمده را دنبال می‌کنند که اول اسکان نیروی کار است و دوم تربیت، نظارت، مهار و به‌طورکلی اجتماعی کردن این نیرو مطابق با نیازهای شرکت. الگوی سکونت در این شرکت شهرها، عمدتاً بر اساس تقسیم‌بندی موقعیت شغلی است و شامل خانه‌های کارگری، کارمندی و ویلاهای مدیریتی است که بعضاً "بنگله" خوانده می‌شوند (احسانی، کاوه، ۱۳۷۸،ص۱۹).

تصویر ۱- محدوده موردمطالعه
ماخذ: www.opengee.org

امروزه، روند توسعه مسکن غالب به صورت جوامع مسکونی محصور است. این روند یکی از گسترده ترین الگوهای توسعه در سه ماهه پایانی قرن بیستم بوده است. جوامع مسکونی محصور در سراسر جهان و همچنین در ایران با اندازه های مختلف ساخته می شوند و از کشوری به کشور دیگر، شهری به شهر دیگر و انواع متفاوتی دارند. تا به امروز، صدها اجتماع مسکونی محصور وجود دارد که در سراسر جهان توسعه یافته اند. شهرک نفت به دلیل اینکه یکی از بزرگترین شهرک‌های مسکونی محصور واقع در استان خوزستان و ایران می‌باشد. به عنوان محدوده‌ی مطالعاتی انتخاب گردید. شهرک نفت یکی از محلات شهر اهواز است. که کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب ساکن هستند. اکثر ساکنین آن از شهر اهواز هستند ولی به دلیل صنعتی بودن مهاجرین از سایر نقاط کشور نیز دارد. محدوده موردمطالعه در جنوب فرودگاه بین‌المللی اهواز و شرق زیتون واقع‌شده است. این شهرک با طراحی ویژه‌ای که ازلحاظ نقشه شده است یکی از بهترین نمونه‌های

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

شهرک مسکونی در ایران به شمار می‌رود. این محله دارای چندین بازارچه، یک مسجد، یک حسینیه و یک مجتمع تفریحی فرهنگی ورزش کامل هست. در حال حاضر این شهرک از ۷ فاز تشکیل‌شده است. که خانه‌های آن به سه بخش آپارتمان‌ها (G Type) منازل سه خواب (C Type)و منازل چهار خوابِ (B Type) تقسیم می‌شوند که بر اساس امتیازات شغلی کارکنان و سمت‌هایشان این منازل به آن‌ها تحویل داده می‌شود. تصویر ۱، محدوه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

در این پژوهش نوع تحقیق آمیخته (کمی-کیفی) و در بخش کمی از نوع همبستگی-پیمایشی است. در پژوهش حاضر در ابتدا به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، مراجعه به اسناد مکتوب و مقاله‌ها و آمارنامه‌ها بخشی از آن به‌صورت برداشت‌های میدانی انجام خواهد گرفت. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای در جهت تبیین مباحث موردنظر و شناسایی و حذف عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار بر حس مکان، به بررسی حس مکان و عوامل شکل‌دهی آن پرداخته می‌شود تا بتوان به تدوین معیارها و ضوابط پرداخت. در مرحله بعدی پژوهش بر اساس ادبیات موضوع، با کمک مفاهیم به‌نقد و بررسی ارائه مدل و راهکارهای مناسب در جهت تقویت حس مکان می‌پردازد. برای سنجش روایی مدل و جمع‌آوری نظرات مردم ، پیمایشی از طریق تکمیل پرسشنامه انجام خواهد گردید جامعه آماری در حدود ۶۰۰۰ نفر، شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال سن، ساکن در شهرک نفت و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به مقدار ۳۶۲ نفر هست.

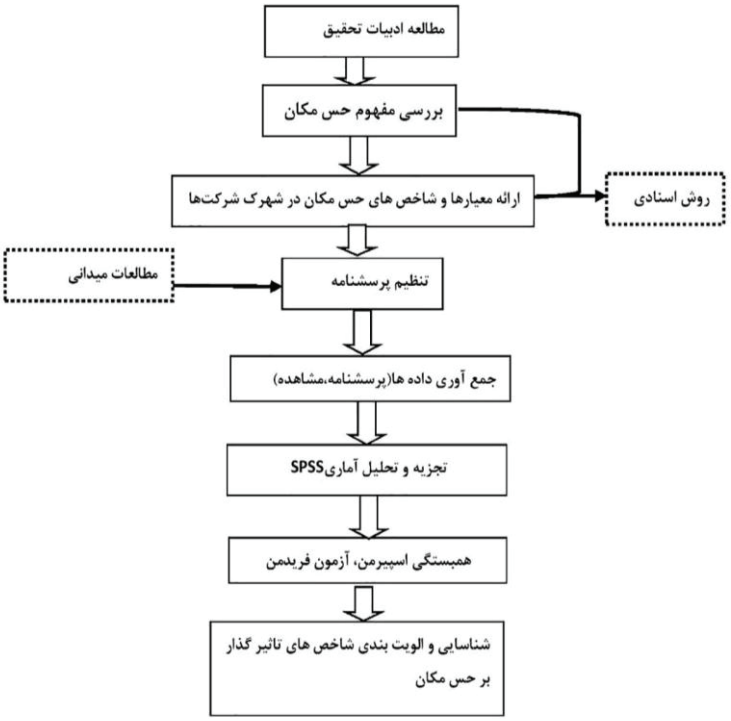

نمودار ۲- فرایند انجام پژوهش(مأخذ: نگارندگان)

بر اساس متون مرور شده و چارچوب نگارنده در معرفی، پرسشنامه متشکل از ۳۰ سؤال است. پرسش‌نامه از نوع لیکرت است که دارای طیف(بسیار موافقم تا کاملاً مخالف) انجام شد. به‌منظور بررسی اعتبار و پایایی ابزار سنجش، ابتدا روایی پرسشنامه ارزیابی شد که طی آن گویه های مربوط به متغیرها در قالب پرسش نامه تنظیم شد و در اختیار استادان دانشگاه قرار گرفت تا نظرات خود را درباره قابلیت سنجش آن‌ها و رعایت نکات دستوری و نگارشی اعلام کنند. در این مرحله، با توجه به نظرات مطرح‌شده، نسبت به اصلاح، تعدیل و حذف برخی گونه‌ها اقدام شد. پس از تعیین اعتبار صوری، سنجش پایایی و روایی شاخص‌ها در دو مرحله آزمون مقدماتی ۳۰ نفر از افراد ساکن در شهرک نفت انجام گرفت و آزمون نهایی ۳۳۲ نفر از ساکنان شهرک نفت انجام گرفت. در آزمون نهایی، تمامی معیارها و کل پرسش‌نامه ها دارای پایایی بودند زیرا مقدار آلفای کرون باخ پرسش‌نامه ساکنین ۷۷/۵ به دست آمد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و تجزیه‌وتحلیل آماری نتایج با کمک نرم‌افزار SPSS و

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

به‌کارگیری آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار آن و از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرها استفاده شد. ضریب همبستگی همواره بین ۱- و ۱ است. هر چه مقدار آن از صفر بیشتر باشد رابطه قوی‌تر است. صفر به معنای عدم رابطه و یک به معنای رابطه کامل است و منفی به معنای عدم همسو بودن همبستگی است. قابل ذکر است به دلیل اینکه جامعه آماری توزیع نرمال نداشت است از آزمون ناپارامتریک فریدمن و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نمودار ۲ فرایند انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

نتایج تجزیه و تحلیل آماری در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شده است. در بخش یافته‌های توصیفی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های آماریِ فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد پرداخته شد. نرمال بودن متغیرها با استفاده از شاخص های کجی و کشیدگی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف بررسی شد. در بخش یافته‌های استنباطی و جهت آزمون اعتبار پرسشنامه از آزمون همبستگی اسپیرمن و برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. در بخش یافته های استنباطی و جهت رتبه‌بندی متغیرها از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماریSPSS انجام شد.

متغیرهای جمعیت شناختی: در پژوهش حاضر، حجم نمونه ۳۶۲ نفر است که میزان پرسش‌شوندگان ۰/۴۵ درصد زن و ۰/۵۵ درصد مرد است. میانگین توزیع سنی پرسش شوندگان ۴۱ سال هست که کمترین ۱۸ و بیشترین سن ۶۳ سال هست. از نظر میزان تحصیلات، بیشتر پاسخگویان با ۰/۴۷درصد، دارای مدرک کارشناسی بوده. درزمینهٔ وضعیت شغلی پرسش‌شوندگان نیز اطلاعاتی جمع‌آوری گردید که این داده در نمودار۳ و ۴ ارائه می‌گردد و نشان می‌دهد که در حدود ۰/۶۵ از آن‌ها کارمند می‌باشند.

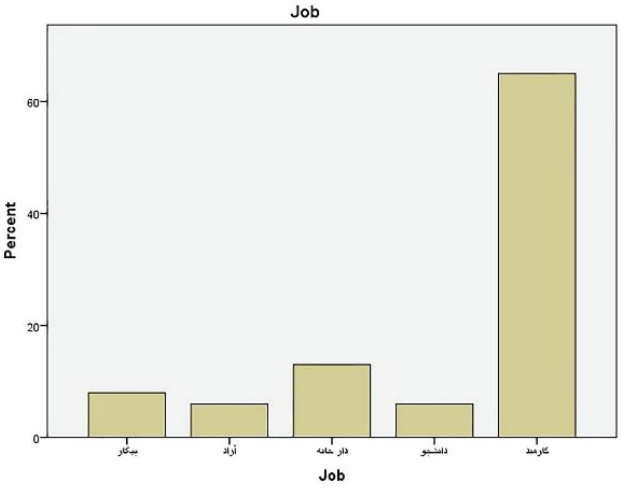

نمودار۳- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت شغلی به درصد

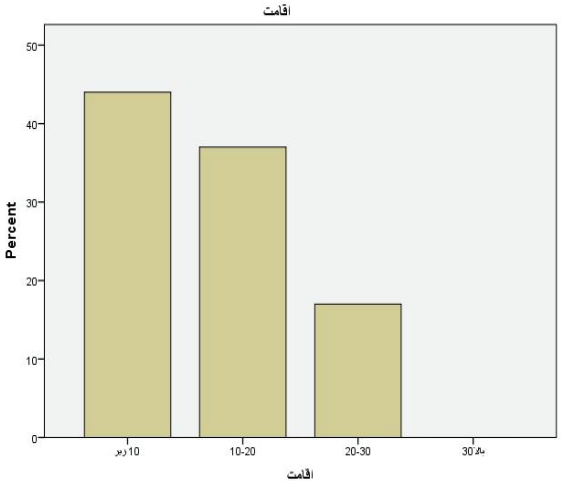

نمودار۴- مدت‌زمان سکونت ساکنان شهرک نفت

در زمینهٔ مدت‌زمان سکونت پاسخ‌گویان در شهرک نفت، بیشتر افراد زیر ۱۰ سال با ۰/۴۴ درصد در شهرک زندگی می‌کردند. شاخص تعلق مکانی نسبت به شهرک نفت برای پاسخ‌دهندگان در ۶ گویه مطرح گردید. همچنین متغیرهای کالبد فیزیکی همگانی، کالبد فیزیکی خصوصی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، تداعی معنا به ترتیب در (۱۶،۲،۵،۷) گویه تعریف گردیده است.

توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن: در جدول۲ به توصیف متغیرهای اصلی تحقیق پرداخته شد. از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و کجی و کشیدگی است برای سنجش نرمال بودن داده‌ها استفاده شد. چنانچه سطح معنی‌داری برای هر متغیر بیشتر از ۰/۰۰۱ بدست آید نتیجه میگیریم متغیر نرمال است. در مورد کجی و کشیدگی، مقادیر این آماره‌ها بین ۱- و ۱+ باشد نشان‌دهنده نرمال بودن داد است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد متغیرها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. بنابراین از روش‌های ناپارامتریک مانند آزمون همبستگی اسپیرمن و آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای تحلیل متغیرها در تحقیق استفاده شد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

جدول ۲- توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن

متغیرها	معنی‌داری کولموگروف-اسمیرنوف	کجی	کشیدگی
نظافت و پاکیزگی شهرک	۰/۰۰۰	-۱/۱۷۰	۱/۱۳۵
تداعی خاطرات مذهبی	۰/۰۰۰	-۰/۹۱۷	-۰/۳۰۵
دسترسی به حمل‌ونقل شهری	۰/۰۰۰	-۱/۱۳۲	۱/۶۸۴
سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی	۰/۰۰۰	-۱/۰۳۹	۱/۳۳۳
تعاملات و مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۹۳۳	۱/۲۱۰
دسترسی به خدمات شهرک	۰/۰۰۰	-۱/۰۰۹	-۱/۰۵۸
انعطاف‌پذیری و چیدمان فضا	۰/۰۰۰	-۱/۰۵۸	۰/۳۷۷
جذابیت بصری	۰/۰۰۰	-۰/۶۱۱	۰/۰۰۲
تسهیلات و امکانات رفاهی	۰/۰۰۰	-۰/۵۴۴	۰/۷۴۳
خوانایی	۰/۰۰۰	-۰/۶۲۱	۰/۰۶۰
به حداقل رساندن عناصر ثابت	۰/۰۰۰	-۰/۷۷۳	۰/۱۰۵
تداعی معنای سمبلیک فرهنگی	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۰	-۰/۶۴۹
تداعی خاطرات گذشته	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۴	-/۰۱۶
احساس امنیت در فضای شهرک	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹	۰/۵۳۷
مدت سکونت ساکنین	۰/۰۰۰	۰/۵۲۷	-۰/۹۰۲

میزان ارتباط و تأثیر هر یک از عوامل بر یکدیگر: جدول شماره (۳) همبستگی معناداری بین ۴ مؤلفه نشان می‌دهد. از این میان مؤلفه فرامعماری بالاترین همبستگی را با دیگر مؤلفه‌ها دارد بدین صورت که بیشترین همبستگی را فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و با مقدار ۰/۷۶۵ و سطح آلفا ۰/۰۱ با مؤلفه فرامعماری دارد. بعدازآن کالبد خصوصی با مقدار r_s =۰/۴۳۲ و کالبد(همگانی) به مقدار r_s =۰/۳۴۷، هستند. بدین معنا هر چه عناصر سمبلیک فرهنگی، عناصر سمبلیک مذهبی برای برگزاری آیین و فرهنگی و مذهبی بیشتر باشد فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی بیشتر خواهد شد احساس امنیت افزایش خواهد یافت، دلبستگی به مکان بیشتر شده و باعث تقویت حس مکان می‌شود. با توجه به رابطه معنی‌دار بین مؤلفه‌ها در آزمون همبستگی اسپیرمن می‌توان گفت این آزمون اعتبار مدل ارائه شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳- تحلیل همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های حس مکان (مأخذ: نگارندگان)

	کالبدی(خصوصی)	کالبدی(همگانی)	فعالیت و تعاملات اجتماعی	فرا معماری
کالبدی(خصوصی)	۱.۰۰۰	۰/۲۰۹**	۰/۴۱۵**	۰/۴۳۲**
سطح معناداری	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کالبدی(همگانی)	۰/۲۰۹**	۱.۰۰۰	۰/۲۶۹**	۰/۳۴۷**
سطح معناداری	۰/۰۰۰	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
فعالیت و تعاملات اجتماعی	۰/۴۱۵**	۰/۲۶۹**	۱.۰۰۰	۰/۷۶۵**
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.	۰/۰۰۰
فرامعماری	۰/۴۳۲**	۰/۳۴۷**	۰/۷۹۵**	۱.۰۰۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.

آزمون پایایی (آلفای کرون باخ): در جدول۴ نتایج آزمون پایایی (آلفای کرون باخ و پایایی ترکیبی) گزارش‌شده است. در این پژوهش نتایج نشان داد چنانچه پایایی به‌دست‌آمده برای هرکدام از مؤلفه‌ها بیشتر از ۷۰ شود نشان از تائید پایایی آن مؤلفه دارد. بررسی مقادیر پایایی آلفای کرون باخ نشان داد که تمامی مقادیر پایایی آلفای کرون باخ ۴ مؤلفه اصلی ۷۷/۵۰ است و نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه پژوهش است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

جدول ۴- بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه(مأخذ: نگارندگان)

مولفه	سوال	آلفا کرون باخ	مولفه	سوال	آلفا کرون باخ
کالبدی همگانی (در فضای شهرک)	۱	۰/۷۶۷	کالبدی خصوصی	۱۶	۰/۷۶۵
	۲	۰/۷۷۸		۱۷	۰/۷۶۲
	۳	۰/۷۷۰		۱۸	۰/۷۶۶
	۴	۰/۷۶۷	فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی	۱۹	۰/۷۵۷
	۵	۰/۷۶۷		۲۰	۰/۷۶۵
	۶	۰/۷۷۰		۲۱	۰/۷۸۷
	۷	۰/۷۶۲		۲۲	۰/۷۶۸
	۸	۰/۷۶۸		۲۳	۰/۷۷۵
	۹	۰/۷۶۹	فرامعماری	۲۴	۰/۷۶۹
	۱۰	۰/۷۸۸		۲۵	۰/۷۶۶
	۱۱	۰/۷۷۹		۲۶	۰/۷۵۸
	۱۲	۰/۷۶۹		۲۷	۰/۷۵۸
	۱۳	۰/۷۶۰		۲۸	۰/۷۹۱
	۱۴	۰/۷۷۱		۲۹	۰/۷۵۷
	۱۵	۰/۷۶۶		۳۰	۰/۷۷۴
				۳۱	۰/۷۵۷

رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی: جهت رتبه‌بندی ۵ مؤلفه اصلی تأثیر گزار بر داوری طرح‌های معماری از آزمون فریدمن استفاده شد تا مؤلفه‌های اصلی را ازنظر وضعیت و جایگاه رتبه‌بندی شوند. با توجه به جدول ۴ رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی آزمون فریدمن، وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی حس مکان تعیین شده. وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی به ترتیب کالبد خصوصی ۳۱/۱۲ درصد بیشترین تأثیر را بر حس مکان دارد و بعدازآن کالبد همگانی با وزن ۲۵/۵۰، فرامعماری با وزن ۲۴/۳۰ و فعالیت و تعاملات اجتماعی با وزن ۱۹/۱۰ است.

جدول ۵:رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی آزمون فریدمن

ردیف	رتبه مؤلفه اصلی	شاخص وزنی
۱	کالبد خصوصی (درون ساختمان)	۳۱/۱۲
۲	کالبد همگانی(محیط شهرک)	۲۵/۵۰
۳	فرامعماری	۲۴/۳۰
۴	فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی	۱۹/۱۰

Chi Square=۱۶۳.۰۳۲ ، df ۳ ، p =۰.۰۰

رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها: جهت رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. با استفاده از این آزمون زیر مؤلفه‌ها ازنظر وضعیت و جایگاه رتبه‌بندی و نتایج آزمون فریدمن در جدول ۵ آمده است. یافته‌های رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها نشان می‌دهد با توجه به مقدار کای اسکوئر که برابر با ۱۶۹۶/۸۵۶۸۵۶ (df=۱۵) و (p=۰.۰۰)، معنی‌دار شده است. می‌توان استنباط کرد که بین زیر مؤلفه تأثیرگذار بر حس مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رتبه و مقدار این زیر مؤلفه‌ها متفاوت است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی و تداعی مذهبی و دسترسی به حمل‌ونقل شهری بالاترین میانگین رتبه را به ترتیب ۱۱.۵۹، ۱۱.۵۷، ۱۱.۲۸ را دارد و نشان می‌دهد که این زیر مؤلفه‌ها، مهم‌ترین زیر مؤلفه مؤثر بر حس مکان در شهرک نفت است. بعدازآن سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. نمره حاصل‌شده برای هر زیر مؤلفه در آزمون فریدمن به ترتیب ۱۰.۳۲،۱۰.۳۷، ۹.۴۹ است. نتایج نشان می‌دهد که این زیر مؤلفه‌ها، بیشترین تأثیر را بر حس مکان در مقایسه با زیر مؤلفه‌های دیگر دارد و زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس مکان در شهرک نفت رادارند. جدول ۶ نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه بندی زیر مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

جدول ۶- نتیجه آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه	
۱	نظافت و پاکیزگی شهرک	۱۱/۵۹
۲	تداعی خاطرات مذهبی	۱۱/۵۷
۳	دسترسی به حمل‌ونقل شهری	۱۱/۲۸
۴	سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی	۱۰/۳۷
۵	تعاملات و مشارکت اجتماعی	۱۰/۳۲
۶	دسترسی به خدمات شهرک	۹/۴۹
۷	انعطاف‌پذیری و چیدمان فضا	۹/۴۶
۸	جذابیت بصری	۹/۰۸
۹	تسهیلات و امکانات رفاهی	۸
۱۰	خوانایی	۷/۸۹
۱۱	به حداقل رساندن عناصر ثابت	۷/۶۶
۱۲	تداعی معنای سمبلیک فرهنگی	۷/۴۹
۱۳	تداعی خاطرات گذشته	۶/۸۷
۱۴	احساس امنیت در فضای شهرک	۵/۸۱
۱۵	مدت سکونت ساکنین	۱/۶۱

Chi Square=۱۶۹۶/۸۵۶ df=۱۵ P=0.00

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید بر روی یکی از مسائل حاضر یعنی بحث تعلق مکانی ساکنان پرداخته شود بسیاری از تحقیقات اخیر در حوزه معماری و روانشناسی محیطی به مسئله حس مکان پرداخته‌اند که به‌طور کلی دسته‌ای از مقالات به شناسایی و معرفی عوامل تشکیل‌دهنده حس‌مکان پرداخته‌اند ودسته‌ای دیگر مقالات به طبقه‌بندی سطوح مختلف حس مکان معطوف شده است. از جمله می‌توان به تحقیقات لینچ، شولتز،راپاپورت، رلف، استیل و شامای، سالواسن، هیومن، کراس، آردوین، بولی، کیم و لوماس در خارج از کشور و فلاحت، صدریان، مشکینی، مظلومی، فروزنده، ملکی، صمدپور در داخل کشور اشاره کرد که در بخش‌های پیشینه تحقیق و مبانی نظری به برخی از آن‌ها اشاره شد. دسته‌ای از مقالات به معرفی تأثیراتی که مجموعه مسکونی محصور بر ساکنین این مجموعه‌ها می‌گذارد پرداخته‌اند محققانی همچون بیکلین، لو، صلاح، دانگه، آتکینسون در این راستا می‌توان معرفی کرد. قابل ذکر است پژوهش حاضر همسو با نظریات راپاپورت، استیل، شامای سالواسن، مؤلفه‌های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و فرا معماری تقسیم کرد. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی (محیط شهرک) و خصوصی (درون ساختمان) تقسیم نمود. همان‌گونه که در بخش پیشینه و مبانی نظری پژوهش هم اشاره گردید، نتایج تحقیقات مشابه داخلی و خارجی یافته‌های تحقیق حاضر را تائید و یا تکمیل می‌نمایند. در واقع هدف از این پژوهش سنجش میزان ادراک حس مکان توسط ساکنین در مجموع مسکونی محصور(شهرک-شرکت‌ها) بوده که به طور مستقیم در تحقیقات پیشین مورد بحث قرار نگرفته است. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین تحلیل تأثیر حس مکان (کالبد خصوص، کالبد همگانی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، فرامعماری) درمجموع‌های مسکونی محصور، شهرک شرکت‌هایی است که در تملک یک شرکت دولتی یا خصوصی بوده و بررسی جمعیتی مشخص در واحد سکونتی افراد هم‌پیشه است؛ و توسط آن طراحی، سرمایه‌گذاری، نگهداری و مدیریت می‌شوند، که هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین به این موضوع نپرداخته است.

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، مؤلفه‌های حس مکانی، از دیدگاه و نظریات صاحب‌نظران استخراج و معیارها دسته‌بندی شوند و مدلی برای آن تدوین شد. نتایج حاصله مؤلفه‌های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و فرا معماری تقسیم می‌شود. در بخش روش پژوهش پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و با کمک نرم‌افزارهای آماری

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

SPSS و همبستگی اسپیرمن مورد و توزیع فراوانی تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است از همبستگی اسپیرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار استفاده شد. از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرهای استفاده شد. با توجه به رابطه معنی‌دار بین مؤلفه‌های حس مکان(کالبد خصوص، کالبد همگانی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، فرامعماری) در آزمون همبستگی اسپیرمن می توان گفت این آزمون اعتبار مدل ارائه شده را نشان می‌دهد. از بررسی نتایج این تحقیق می توان نتیجه گرفت، همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (همگانی) با کالبد فیزیکی (خصوصی)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرا معماری وجود دارد. همان‌طور که نتایج نشان داد همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (خصوصی)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرا معماری وجود دارد. بدین معنا که هر چه رضایت فرد از کالبد فیزیکی خصوصی که شامل سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی خانه و انعطاف‌پذیری فضاهای آن می‌شود، بیشتر باشد. تمایل به حضور و مشارکت اجتماعی و شرکت در مراسمات مذهبی و فرهنگی امنیت در محیط افزایش می یابد. این منجر می شود که مالکیت خانه با توجه به اینکه در شهرک وجود ندارد، ولی حس تعلق به مکان قوی، در ساکنین نسبت به شهرک ایجاد کند؛ که بالاتر از حس تعلقی ایست که به شهر اهواز در آن‌ها ایجاد کرده است. طبق یافته‌های تحقیق حاضر و در پاسخ به سؤال دوم در خصوص بررسی میزان تأثیرگذاری چهار معیار اصلی حس مکان بر ساکنین شهرک، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد ، وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی حس مکان تعیین‌شده به ترتیب کالبد خصوصی بیشترین تأثیر را بر حس مکان برای ساکنین را دارد و بعد از آن کالبد همگانی ، فرامعماری و فعالیت و تعاملات اجتماعی قرار داشت. نتایج نشان داد میزان رضایت ساکنین از کالبد خصوصی که همان خانه و فضای آن است در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها در ایجاد حس تعلق به مکان ساکنین بسیار مؤثر است. مولفه کالبد خصوصی که سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی خانه‌ها را شامل می‌شود که در خانه‌های مسکونی شهرک نفت طراحان ۱- با استفاده از آستانه در به‌عنوان یک حوزه کالبدی که قابلیت نشان دادن ارزش‌هایی که هر یک از ساکنین به محل سکونت خود را دارد ۲- ایجاد باغچه و فضای سبز در حیاط واحد مسکونی که هر شخص مطابق با خواسته خود می‌تواند آن را تغییردهد ۳- استفاده از کف‌سازیهای متنوع در کنار ساختمان‌ها، ایوان‌ها و تراس‌ها برای متمایز کردن هر مکان که طراح برای نمایش اشیا(گلدان، پیچک و ...) ایجاد کرده. ۴- طراح در دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار و کف پنجره به صورتی طراحی کرده که ساکنین به راحتی بتوانند گیاهان خود را چون پیچک‌ها قرار دهند. توانایی تغییر در پلان واحدهای مسکونی با حذف دیوار آشپزخانه و پذیراییاز طریق به حداقل رساندن عناصر ثابت همچون دیوار است. مؤلفه عوامل کالبدی همگانی که در فضا و محیط شهرک توسط طراحان انجام شده شامل نظافت و پاکیزگی شهرک است. از طریق طراحی محل‌های دسترسی به حمل‌ونقل شهری با ایجاد ایستگاه های اتوبوس و تاکسی متعدد در سطح شهرک جهت دسترسی به نقاط مختلف شهری را شامل می‌شود. دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی مختلف در سطح شهرک همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس، مرکز آتش‌نشانی است. جذابیت بصری فضای شهرک با کاشت و نگهداری عناصر گیاهی در عرصهٔ نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنین شهرک است گیاه ، عامل تقویت حس تعلق به مکان است. طراحات برای ایجاد حس مکان امکانات رفاهی مختلفی را در طراحی در نظر گرفتند همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس در سطح شهرک و وضوح و خوانایی مسیرها با استفاده از فضای سبز، حصار و... استفاده از فضای باز مابین بلوک‌ها برای مشارکت اجتماعی. عوامل فرامعماری از طریق تداعی خاطرات مذهبی وجود دو مسجد و دو حسینه در سطح شهرک و برگزاری آیین مذهبی هرسال در سطح شهرک وجود مزار شهدا برای یادآوری شهدای جنگ تحمیلی. تداعی معنای سمبلیک فرهنگی حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، با طراحی عوامل کالبدی و فرهنگی مانند مجموعه های فرهنگی ورزشی، زمین های ورزشی کانون زبان و پرورشی که محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی هستند. تداعی خاطرات گذشته از طریق وجود محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی و برای امور خیریه و یا جشن‌ها و مراسمات در طول سال همچون: پاتوق‌ها، بازارچه‌ها و فضای سبز، پارک، تک‌درخت در میدان و یا زمین ورزشی فضای خاطره‌انگیز برای ساکنان آن به وجود آورده است. بسیاری از محققین (آتکینسون ۲۰۲۰، بلیکلی و اسنایدر، ۱۹۹۷؛ کوی، ۲۰۰۲؛ پاو، ۲۰۱۵) از مجموعه مسکونی محصور انتقاد می‌کنند که این مجموعه‌ها منجربه کاهش تعامل اجتماعی و سست شدن روابط با همسایگان می‌شود. نتایج پژوهش همسو با نظرات این محققین نشان می‌دهد در شهرک نفت مؤلفه تعاملات و مشارکت اجتماعی در جایگاه آخر قرار دارد. در شهرک مسکونی این مؤلفه از طریق ایجاد فضاهایی برای تعاملات و مشارکت اجتماعی چون وجود پاتوق‌ها، بازارچه‌ها، پارک سلامت،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

یا زمین‌های ورزشی و به مجموعه فرهنگی و ورزشی و رستوران، مساجد و حسینیه‌ها که محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی برای ساکنین هستند. انعطاف‌پذیری و چیدمان مبلمان فضا از طریق طراحی محل‌های نشستن و توقف ایستاده به‌صورت جمعی یا فردی و مبلمان متنوع برای فعالیت‌های متنوع چون نشستن، ورزش کردن، بازی کردن در فضای شهرک نفت وجود دارد. احساس امنیت در فضای شهرک از طریق معلوم بودن محدوده‌ی شهرک و تعریف شدن ورودی و دیوارکشی ایجاد حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که در عین زیبایی باعث ایجاد محرمیت بصری درون آن می‌شود. رتبه بندی فریدمن نشان می‌دهد بر خلاف نظرات محققین (صلاح ۲۰۱۸، بیکلین ۲۰۱۶، ملکی ۱۳۹۳) که امنیت را عامل ارتقا حس‌مکان می‌دانند. امنیت در این پژوهش رتبه پایینی را کسب کرده شاید به دلیل اینکه در شب محیط شهرک روشنایی مناسبی نداشته است و در آن کنترل بر جمعیت حیوانات همچون سگ و روباه نداشت این عامل منجرب می‌شود در تاریکی شب احساس عدم امنیت در ساکنین ایجاد شود. برخلاف نظر مشکینی، مدت سکونت ساکنین تأثیری بر افزایش حس‌مکان نداشته.

یافته های پژوهش در راستای تأثیر هرکدام از زیر مؤلفه های حس مکان در فضای شهرک نفت نشان می‌دهد با توجه به مقدار کای اسکوئر که برابر با ۱۶۹۶.۸۵۶ (df=۱۵) و (p=۰.۰۰)، معنی‌دار شده است. می‌توان استنباط کرد که بین زیر مؤلفه تأثیرگذار بر حس مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رتبه و مقدار این زیر مؤلفه‌ها متفاوت است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی و تداعی مذهبی و دسترسی به حمل‌ونقل شهری بالاترین میانگین رتبه را به ترتیب دارند و نشان می‌دهد که این زیر مؤلفه ها، مهم‌ترین زیر مؤلفه مؤثر بر حس مکان در شهرک نفت است. بعدازآن سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. برخلاف پژوهش‌های گذشته زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس مکان در شهرک نفت را دارند.

بررسی نتایج در شهرک نشان می‌دهد که توجه طراح به معیارهای تأثیرگزار بر حس مکان بسیار بوده است. که این معیارها قابل تعمیم بوده و می توانند مورد توجه طراحان شهری و معماران برای ایجاد حس مکان برای مجموع مسکونی بسته قرار گیرد. جدول ۷ مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس مکان در شهرک نفت را نشان می‌دهد.

جدول ۷- بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس مکان در شهرک نفت

	زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها	
کالبد خصوصی	سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی	۱۰/۳۷	۱- استفاده از آستانه به‌عنوان یک حوزه کالبدی ۲- ایجاد باغچه و فضای سبز در حیاط واحد مسکونی ۳- استفاده از واحدهای کوچک کف‌سازی کنار ساختمان‌ها، ایوان‌ها و تراس‌ها مکان. ۴- دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار را برای نصب ملحقات نظیر: پیچک‌ها قرار دارد.	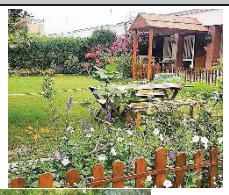 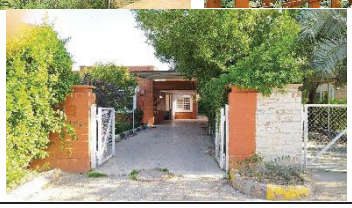
	به حداقل رساندن عناصر ثابت	۷/۶۶	تغییر در پلان واحدهای مسکونی حذف دیوار آشپزخانه و پذیرایی جهت به حداقل رساندن عناصر ثابت.	
کالبد همگانی	نظافت و پاکیزگی شهرک	۱۱/۵۹	نظافت و پاکیزگی روزانه معابر توسط خدمات نظافتی	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها	
دسترسی به حمل‌ونقل شهری	۱۱/۲۸	وجود ایستگاه‌های اتوبوس متعدد و ایستگاه تاکسی برای دسترسی به نقاط مختلف شهری	
دسترسی به خدمات شهرک	۹/۴۹	دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی مختلف در سطح شهرک همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس، مرکز آتش‌نشانی .	
جذابیت بصری	۹/۰۸	ایجاد و نگهداری عناصر گیاهی در عرصهٔ نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنین است گیاه ، عامل تقویت حس تعلق است.	
تسهیلات و امکانات رفاهی	۸	وجود امکانات رفاهی مختلف همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس در سطح شهرک.	
خوانایی	۷/۸۹	۱-وضوح و خوانایی مسیرها با استفاده از فضای سبز، حصار و... ۲- استفاده از فضای باز مابین بلوک‌ها.	
مدت سکونت ساکنین	۱/۶۱	مدت سکونت ساکنین، از اجزای تشکیل‌دهنده مکان هستند.	
تداعی خاطرات مذهبی	۱۱/۵۷	وجود دو مسجد و دو حسینه در سطح شهرک و برگزاری آیین مذهبی هرسال در سطح شهرک وجود مزار شهدا برای یادآوری شهدای جنگ تحمیلی	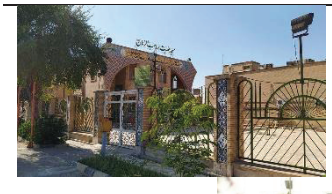 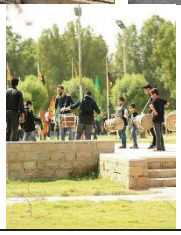

فرامعماری

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها	
تداعی معنای سمبلیک فرهنگی	۷/۴۹	حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، همچون عوامل کالبدی و فرهنگی مانند مجموعه های فرهنگی ورزشی، زمین های ورزشی کانون زبان و پرورشی که محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی هستند.	
تداعی خاطرات گذشته	۶/۸۷	وجود محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی و برای امور خیریه و یا جشن‌ها و مراسمات در طول سال همچون: پاتوق‌ها، بازارچه‌ها و فضای سبز، پارک، تک‌درخت در میدان و یا زمین ورزشی فضای خاطره‌انگیز برای ساکنان آن به وجود آورده است.	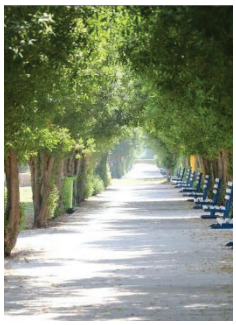 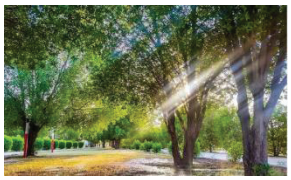
تعاملات و مشارکت اجتماعی	۱۰/۳۲	وجود پاتوق‌ها، بازارچه‌ها، پارک سلامت، یا زمین‌های ورزشی و به مجموعه فرهنگی و ورزشی و رستوران، مساجد و حسینیه‌ها که محل‌های گردهمایی و فعالیت جمعی برای ساکنین هستند.	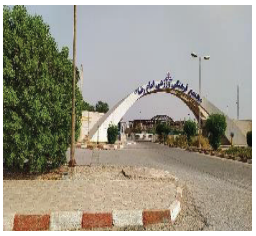
انعطاف‌پذیری و چیدمان فضا	۹/۴۶	۱- وجود محل‌های نشستن و توقف ایستاده به‌صورت جمعی یا فردی ۲- عرصه‌های عمومی و خصوصی به کمک فضاهای نیمه عمومی و نیمه‌خصوصی برای حفظ حریم خصوصی ساکنین۳- وجود مبلمان متنوع برای فعالیت‌های متنوع چون نشستن، ورزش کردن، بازی کردن و....	
احساس امنیت در فضای شهرک	۵/۸۱	معلوم بودن حدود شهرک با تعریف شدن ورودی و دیوارکشی ایجاد حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که در عین زیبایی باعث ایجاد محرمیت بصری درون آن می‌شود.	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

فهرست منابع

- بنتلی، ی.، آلکاک، آل.، مورین، پ.، گلین، س.، اسمیت، گ. (۱۹۴۵). محیط های پاسخده، کتاب راهنمای طراحان، (ترجمه مصطفی بهزادفر)، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۶: ص. ۲۹۵.
- قاسمی اصفهانی، م. (۱۳۹۴). "ما کجا هستیم؟" (هویت به ساختمان های مسکونی)، انتشارات روزانه، تهران.
- عینی فر، ع. (۱۳۸۲). یک مدل تحلیل انعطاف پذیر در مسکن سنتی ایران، مجله هنرهای زیبا، ۱۳: صص ۷۷-۶۴.
- فلاحت، م. (۱۳۸۴). نقش طراحی فیزیکی به معنای محل مسجد، مجله هنرهای زیبا، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲: صص ۴۲-۳۵.
- فلاحت، م (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عناصر تشکیل دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، ۲۶: صص ۵۷-۶۶.
- مدیری،آتوسا. (۱۳۸۷). مکان،نشریه هویت شهر، تهران،۲: صص۷۹-۶۹.
- طاهر طلوع دل, مهدی نژاد, جمال الدین, سادات, & سیده اشرف. (۲۰۲۰). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. *معماری و شهرسازی پایدار*, ۸(۱), ۱۶۵-۱۸۲. رحیمی، ر.، انصاری، م.، بمانیان، م.، مهدوی‌نژاد، م. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران، مجله باغ نظر، ۱۷(۸۳): صص۱۵-۳۰.
- نوفل، ع.، کلبادی، پ.، پور جعفر، م. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری مطالعه موردی محله جلفا در اصفهان، مجله آرمانشهر، ۳: صص ۵۷ تا ۶۹.
- پور جعفر، م.، صادقی، ع. (۱۳۸۷). اصول طراحی هدفمند محور نشانه‌های شهری، هویت شهری، مجله هویت شهر، ۳: صص. ۱۰۶-۹۵.
- صدریان، ز.، حسینی، س.، نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۳)، ارتقا حس تعلق به محل از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط(نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران، انجمن علمی معماری و شهرسازی، ۷:صص ۴۴-۳۵.
- مشکینی، ا.، قاسمی، ا.، حمزه‌نژاد، م.(۱۳۹۳)، بررسی حس تعلق به محل ساکنان شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، مجله فضای جغرافیایی ، ۳۱: صص. ۵۶-۴۴.
- فروزنده، ع. ، مطلبی،غ. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، مجله هویت شهر۸: صص ۳۷-۲۷.
- ملکی، م.، پارسا، س.، وثیق، ب. مرادی،ا. (۱۳۹۳). مجله مسکن و محیط روستا، ۱۴۸: صص ۱۰۸-۹۹.
- منتظرالحجه، م.، شریف نژاد، م.، دهقان، س. (۱۳۹۵). ارزیابی وسنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکزمحله های شهری (مطالعه موردی: مراکز محله‌های شیخداد و شهرک دانشگاخ در شهر یزد). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۶): صص ۴۳-۵۴.
- کاشی، ح.، بنیادی،ن. (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده راه شهر ری)، معماری و شهرسازی(هنرهای زیبا)، ۱۸، ۳: صص ۴۳-۵۲.
- احمدآبادی، ز.، صالحی هیکویی، م.، احمدآبادی، ع. (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۷ (۴): ۲۵۳-۲۷۵.
- Ardoin, N. M., Gould, R. K., Lukacs, H., Sponarski, C. C., & Schuh, J. S. (2019). Scale and sense of place among urban dwellers. *Ecosphere*, *10*(9), e02871.
- Collaborative and transformationalleadership in the environmental realm Almatarneh R.T, (2013) . Choices and changes in the housing market and community preferences: Reasons for the emergence of gated communities in Egypt: a case study of the Greater Cairo Region, Egypt, Ain Shams Eng. J. 4 .563–583.
- Atkinson R, Sarah Blandy S . (2021).Gated Communities. International Encyclopedia of Human Geography, 2nd edition, Volume 5,pp 259-263.
- Bekleyen, A., & Yilmaz-Ay, I. (2016). Are gated communities indispensable for residents?. *Urbani izziv*, *27*(1), 149-161.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

- Blakely, E. J., & Snyder, M. G. (1997). *Fortress America: gated communities in the United States*. Brookings Institution Press.
- Boley,B.B Strzelecka, M. Yeager,E., Ribeiro,M.AAleshinloye,K.D, Woosnam,K.M. Mimbs,P.B. (2021). Measuring place attachment with the Abbreviated Place Attachment Scale (APAS). *Journal of Environmental Psychology*. 74. 101577.pp1-12.
- E. Denis, From Walled city to Gated Communities, in: P.Singerman, Diane, Amar (Eds.), Cairo as Neolibral Capital?,Cairo Cosmopolitan, American University in Cairo Press, 2006.
- Canter, D., & GROAT, J. (1977). The psychology of place Architectural Press. *Psychology*.
- Cross, J. E. (2001). What is sense of place. In Archives of the 12th Headwaters Conference. November 2-4, pp. 1-14.
- Devine-Wright, P. (2020). Place attachment. In *The Routledge Handbook of Place* (pp. 506-517). Routledge.
- Dong, W., Cao, X., Wu, X., & Dong, Y. (2019). Examining pedestrian satisfaction in gated and open communities: An integration of gradient boosting decision trees and impact-asymmetry analysis. *Landscape and urban planning*, *185*, 246-257.
- El-Ekhteyar, E., & Furlan, R. (2016). Sense of community in gated communities in doha:The case of Al-ein compound in ein khaled neighborhood. American Journal of Sociological Research, 6(5), 126–134.
- Canter, D (1977). The Psychology of Place Architectural Press, London.
- Cross, J. E. (2001). What is sense of place. In Archives of the 12th Headwaters Conference. November 2-4, pp. 1-14.
- Gieling, J., Vermeij, L., & Haartsen, T. (2017). Beyond the local-newcomer divide: Village attachment in the era of mobilities. *Journal of Rural Studies*, *55*, 237-247.
- Giuliani, M. V., & Scopelliti, M. (2009). Empirical research in environmental psychology: Past, present, and future. *Journal of Environmental Psychology*, *29*(3), 375-386.
- Guest, A.M., Wierzbicki, S.K., 1999. Social ties at the neighborhood level: two decades of. GSS evidence. Urb. Aff. Rev. 35 (1), 92–111.
- Ghonimi, I., El Zamly, H., Khairy, M., & Soilman, M. (2011). The Contribution Of Gated Communities To Urban Development In Greater Cairo Region, New Towns. *Journal of al Azhar University-Engineering Sector*.
- Grant, J., & Mittelsteadt, L. (2004). Types of gated communities. *Environment and planning B: Planning and Design*, *31*(6), 913-930.
- Hapsariniaty, A. W., Sidi, B. D., & Nurdini, A. (2013). Comparative Analysis of Choosing to Live in Gated Communities: A case study of Bandung metropolitan area. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *101*, 394-403.
- Hernández, B., Hidalgo, M. C., & Ruiz, C. (2020). Theoretical and methodological aspects of research on place attachment. *Place Attachment*, 94-110.
- Higgitt, N. C., & Memken, J. A. (2001). Understanding neighborhoods. *Housing and Society*, *28*(1-2), 29-46.
- Hsueh, Y. S. (2018). THE BEHAVIORAL FACTORS ON INFLUENCING RESPONSIBLE ENVIRONMENTAL BEHAVIOR OF ISLAND TOURISTS-A CASE STUDY OF JIBEI ISLAND IN TAIWAN PENGHU. *International Journal of Organizational Innovation*, *11*(2).
- Osmond, I. C., Daniel, D. O., Abiodun, A. C., & Fadeke, O. M. (2014). Comparative study of rental values of two gated estates in Lekki peninsula Lagos. *Journal of Sustainable Development Studies*, *5*(2).
- Kil, N., Holland, S. M., Stein, T. V., & Ko, Y. J. (2012). Place attachment as a mediator of the relationship between nature-based recreation benefits and future visit intentions. *Journal of Sustainable Tourism*, *20*(4), 603-626.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]

[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

- Landman, K. (2000). *An overview of enclosed neighbourhoods in South Africa*. CSIR Division of Building and Construction Technology.
- Landman, K. (2008). Gated neighbourhoods in South Africa: an appropriate urban design approach?. *Urban Design International*, *13*(4), 227-240.
- Larson, L. R., Cooper, C. B., Stedman, R. C., Decker, D. J., & Gagnon, R. J. (2018). Place-based pathways to proenvironmental behavior: Empirical evidence for a conservation–recreation model. *Society & Natural Resources*, *31*(8), 871-891.
- Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. *Journal of environmental psychology*, *31*(3), 207-230.
- Lin, C. C., & Lockwood, M. (2014). Forms and sources of place attachment: Evidence from two protected areas. *Geoforum*, *53*, 74-81.
- Low, S. (2004). *Behind the gates: Life, security, and the pursuit of happiness in fortress America*. Routledge.
- Lomas, M. J., Ayodeji, E., & Brown, P. (2021). Experiences of place attachment and mental wellbeing in the context of urban regeneration. *Health & Place*, *70*, 102604.
- Makinde, O. O. (2014). Neighbourhood Safety in Selected Gated Communities in Ibadan, Oyo-State, Nigeria. *Unpublished MPhil Thesis, Department of Architecture, Obafemi Awolowo University, Osun State*.
- Masterson, V. A., Enqvist, J. P., Stedman, R. C., & Tengö, M. (2019). Sense of place in social–ecological systems: From theory to empirics. *Sustainability science*, *14*(3), 555-564.
- Norberg-Shulz, Christian. 1997. The phenomenon of place. New York: Princtor Architectural Press.
- El Sayed, E. N. S. F. (2016). Residents' satisfaction at gated communities In Egypt. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, *7*(4), 1185-1196.
- Norberg-Shulz, Christian. 1997. The phenomenon of place. New York: Princtor Architectural Press.
- Putnam, R.D., 1995. Bowling alone: America′s declining social capital. J. Democr. 6 (1), 65–78.
- Pow, C. P. (2015). Urban dystopia and epistemeologies of hope. *Progress in Human Geography*, *39*(4), 464-485.
- Ramkissoon, H., & Mavondo, F. T. (2015). The satisfaction–place attachment relationship: Potential mediators and moderators. *Journal of Business Research*, *68*(12), 2593-2602.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 67). London: Pion.
- Salah, N. M., & Ayad, H. M. (2018). Why people choose gated communities: A case study of Alexandria metropolitan area. *Alexandria engineering journal*, *57*(4), 2743-2753.
- Riger, S., & Lavrakas, P. J. (1981). Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American journal of community psychology*, *9*(1), 55.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, *22*(3), 347-358.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2014). The psychology of place attachment Environmental Psychology: Principles and Practice. *Victoria: Optimal Books*, 278-9.
- Song, Z., & Soopramanien, D. (2019). Types of place attachment and pro-environmental behaviors of urban residents in Beijing. *Cities*, *84*, 112-120.
- Smith, J. S., & Cartlidge, M. R. (2011). Place attachment among retirees in Greensburg, Kansas. *Geographical review*, *101*(4), 536-555.
- Smith, J. S. (Ed.). (2018). *Explorations in place attachment* (p. 1). New York: Routledge.
- Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity. *Environment and behavior*, *34*(5), 561-581.
- Stockdale, A., & Ferguson, S. (2020). Planning to stay in the countryside: The insider-advantages of young adults from farm families. *Journal of Rural Studies*, *78*, 364-371.
- Steele, F. (1981). The sense of place. Bos ton: CBI publishing Company.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]

[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

- Unpublished MPhil Thesis. Oyo-State, Nigeria: Department of Architecture, Obafemi Awolowo University, Osun State.
- Strien, A. V. (2013). Gated communities in Guatemala City: A socio-spatial perspective.
- Le Goix, R., & Webster, C. J. (2008). Gated communities. *Geography compass*, *2*(4), 1189-1214.
- Van Veelen, B., & Haggett, C. (2017). Uncommon ground: The role of different place attachments in explaining community renewable energy projects. *Sociologia Ruralis*, *57*, 533-554.
- Von Wirth, T., Grêt-Regamey, A., Moser, C., & Stauffacher, M. (2016). Exploring the influence of perceived urban change on residents' place attachment. *Journal of environmental psychology*, *46*, 67-82.
- Wilson-Doenges, G., 2000. An exploration of sense of community and fear of crime in gated communities. Environ. Behav. 32 (5), 597–611.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]

[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]

Analysis of the effect of sense of place in Gated residential complexes (Case study of Ahvaz Oil Town)

Maedeh Mayahi*, *Assistant Professor, Department of Architecture, Karoon Institute of Higher Education, Ahvaz, Iran.*
Behzad Vasiq, *Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.*

Received: 2021/9/20 *Accepted: 2022/1/30*

Introduction: Enclosed housing estates are limited-access residential areas that have recently expanded around the world. These complexes achieve the highest quality of private services and escape from urban disorder. Measuring the sense of the place could be a criterion for the successfulness of an urban or architectural complex. The sense of belonging will show the efficiency of the architectural and urban design. So far, these components in spaces regarding job or occupation have not been studied, and the research structure without intervening with the variable was considered the purpose of the project construction. The purpose was to find the factors affecting the creation of the sense of the place in a closed urban complex. The case study was the National Iranian South Oil Company town.
Methodology: The research was a quantitative and correlational survey. The information was collected randomly by distributing a questionnaire among residents over 18 years of age living in Naft. The sample size based on Cochran's formula is 362 people. This questionnaire was determined based on the Likert scale. To check the validity and reliability of the measurement tool, first, the validity of the questionnaire was evaluated, during which the items related to the variables were prepared in the form of a questionnaire and it was given to the university professors to express their opinions about their ability to be measured and compliance with grammatical and writing points. In the final test, all the criteria and all the questionnaires were reliable because the Cronbach's alpha value of the resident questionnaire was 77.5 Statistical analysis was done using SPSS software and Spearman's correlation coefficient to evaluate the research model and check its validity, and Friedman's test was used to prioritize the variables.
Results: The results show that there is a significant correlation between physical architecture (public and private), activities and social interactions, and hyper architecture. The percentage weight of Friedman's test of the main components were: private physique with 31.12%, indicating the maximum effect on the sense of the place, public physique with 25.50%, hyper architecture with 24.30%, and social interactions and activity with 19.10%, respectively.
Conclusion: Show that there is a significant correlation between physical architecture (public and private), activities and social interactions, and hyper architecture. The percentage weight of Friedman's test of the main components were: private physique with 31.12%, indicating the maximum effect on the sense of the place, public physique with 25.50%, hyper architecture with 24.30%, and social interactions and activity with 19.10%, respectively. The results of Friedman's ranking test of the sub-components showed that cleanness and hygiene, religious association, and access to urban transportation have the highest average rank. These sub-components are the most significant and influential factors in the sense of their place in the oil company. Organization and quality of the interior spaces, social interactions and participation, and access to the town services ranked next. The sub-components, sense of security in the town, and residence duration of the residents have the minimum impact on the sense of the place.
Keywords: the sense of place, oil companies, Company Town, Closed City Collections, Ahwaz.

* Corresponding Author's E-mail: m.mayahi@karoon.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.11.41.5.7]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.41.5]